

Received: 2024/6/24

Accepted: 2024/12/9

from 197 to 217

Laleh Eftakhari

Assistant Professor, Department
of Quran and Hadith Sciences,
Shahed University.
eftekhari@shahed.ac.ir

Characteristics and educational effects of sedition and hypocrisy from the perspective of Nahj al-Balaghah

Abstract

Sedition (fitnah) and hypocrisy (nifāq) are among the most frequently mentioned concepts in the teachings of Islam, particularly in Nahj al-Balāghah (Peak of Eloquence). This prominence can be attributed, on one hand, to the circumstances prevailing during the time of Imam Ali (AS) and, on the other hand, to the intrinsic connection between sedition and hypocrisy, as well as their intersection in numerous instances. This association is so significant that approximately ten Quranic verses and several passages in Nahj al-Balāghah (Peak of Eloquence) are dedicated to it. Moreover, in Nahj al-Balāghah (Peak of Eloquence), the term fitnah and its derivatives are mentioned seventy-six times, while the term nifāq is frequently referenced. Therefore, this research, conducted using an analytical-descriptive method and relying on library resources, aims to explore the teachings of Imam Ali (AS) regarding sedition and hypocrisy, with the ultimate goal of applying these insights. The study focuses on the characteristics and educational impacts of sedition and hypocrisy in Nahj al-Balāghah (Peak of Eloquence). Among the findings of this research are the identification of the traits of seditionists and hypocrites, the connection between the two, and the detrimental and lasting effects they produce, such as a return to ignorance (jāhiliyyah), the darkening of societal atmosphere, falling into doubts, the isolation of believers, the affliction of the virtuous, and the deviation of hearts.

Keywords:

Hypocrisy (nifāq), Sedition (fitnah), Hypocrite (munāfiq), Educational Impacts, Nahj al-Balāghah (Peak of Eloquence).

لاله افتخاری

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث،
دانشگاه شاهد.

eftekhari@shahed.ac.ir

چکیده

فتنه و نفاق ازجمله واژگان پرتکرار در آموزه‌های دین اسلام به‌ویژه در نهج‌البلاغه هستند. این امر را می‌توان از یک‌سو به سبب شرایط حاکم بر زمان حضرت علی (ع) و از سوی دیگر، به علت پیوند میان فتنه و نفاق و تلاقی آن دو در موارد بسیار دانست. این همراهی به‌گونه‌ای است که حدود ده از آیه قرآن و نیز مواردی از نهج‌البلاغه بدان اختصاص یافته است. علاوه بر آن، در نهج‌البلاغه واژه‌ی فتنه و هم‌ریشه‌های آن هفتادوشش بار و واژه‌ی نفاق بسیار ذکر شده است؛ بنابراین، در این پژوهش که به روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با هدف آشنایی با فرمایش‌های امام علی (ع) درباره‌ی فتنه و نفاق و درنهایت، به‌کارگیری آن انجام گرفته است، به ویژگی‌ها و آثار تربیتی فتنه و نفاق در نهج‌البلاغه پرداخته شده است. دستیابی به صفات فتنه‌گران و منافقان و پیوند میان آن دو و نیز آثار زشت و ماندگار آن‌ها همچون بازگشت به جاهلیت، تیره‌گون شدن فضای جامعه، ابتلای به شبهات، انزوای مؤمنان، ابتلای نیکوکاران و لغزش دل‌ها از یافته‌های تحقیق حاضر است.

واژگان کلیدی:

نفاق، فتنه، منافق، آثار تربیتی،
نهج‌البلاغه.

۱- مقدمه

نفاق از مسائل بسیار مهم صدر اسلام است که شکل‌گیری انواع کارشکنی‌ها و دسیسه‌ها در عرصه‌های گوناگون علیه جامعه نوپای اسلامی را به دنبال داشت و بخش عمده‌ای از گرفتاری‌های پیامبر^(ص) از آن نشأت گرفته است (نوری، ۱۳۸۵، ص ۲). این جریان برای جامعه بسیار خطرناک و آسیب‌رسان است؛ زیرا منافقان دشمنانی در قامت دوست هستند که با نفوذ در جامعه‌ی اسلامی مترصد فرصتی هستند تا از طریق فتنه‌گری، به اهداف شوم خویش دست یابند؛ بنابراین، در بسیاری موارد، فتنه و نفاق با یکدیگر پیوند ناگسستنی دارند، هرچند از نظر قرآن، منافقان دشمنان حقیقی مسلمانان هستند و خطر آنان بیش از کفار و مشرکان است و باید از آنان دوری جست: «هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرُهُمْ» (منافقون: ۲)؛ و نیز آنان فتنه‌جو هستند: «لَقَدْ ابْتِغَوْا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَبُوا لَكَ الْأُمُورَ» (توبه: ۴)؛ «پیش‌تر هم (منافقان) فتنه‌جویی کردند و کارها را برای تو واژگونه جلوه می‌دادند.» شهید مطهری بر آن است که انسان به هر میزان که از حیث تمدن پیشرفت کند، قدرت نفاق بیشتری می‌یابد (مطهری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۰)؛ بنابراین، مسئله‌ی نفاق به عصر پیامبر^(ص) اختصاص ندارد و هر جامعه‌ی انقلابی و نوظهوری را از درون، مورد تهدید قرار می‌دهد و انقلاب اسلامی ایران که بیش از چهار دهه از آغاز شکل‌گیری آن می‌گذرد و با زمان حکومت امام علی^(ع) شباهت بسیار دارد، از آن مستثنا نیست. شباهت با دورانی که نهضت اسلامی ایام نوپایی خود را پشت سر گذاشته به مرحله تثبیت رسیده و مشکل اصلی جامعه نه مقابله با مشرکان و کفار، بلکه درگیری با نفاق فراگیر بوده است. توضیح آنکه آنان که روزگاری همدوش حضرت در رکاب پیامبر می‌جنگیدند، اینک با دامن زدن به فتنه‌هایی همچون صفین، نهروان و جمل، به مقابله با ایشان برخاستند و با بر سر نیزه کردن کتاب خداوند، به تقابل با قرآن ناطق کوشیدند؛ از این رو می‌توان با شناخت ویژگی‌های این جریان در صدر اسلام، برای مبارزه با روح فتنه و نفاق و خطوط کلی آن در جوامع اسلامی به‌ویژه در نهج‌البلاغه، واژگان فتنه و نفاق بسیار تکرار شده و گاه باهم آمده‌اند، در این پژوهش تلاش شده تا ضمن بررسی معنای نفاق و فتنه و اقسام و آثار و رابطه‌ی آنها با یکدیگر و ویژگی‌های منافقان و فتنه‌گران و دیگر مسائل مرتبط با آن در صدر اسلام، به‌ویژه در دوران امام علی^(ع)، به این پرسش پاسخ داده شود: «ویژگی‌ها و آثار تربیتی فتنه و نفاق در نهج‌البلاغه چیست و رابطه‌ی آن دو با یکدیگر چگونه است؟»

۲- مباحث نظری

برای دستیابی به فهم بهتر از موضوع، ابتدا مفهوم دو واژه نفاق و فتنه و نیز علل و اقسام آنها و صفات منافقان و فتنه‌گران بررسی می‌شود.

۱-۲- نفاق

در تبیین واژه نفاق چند مطلب مطرح است:

۲-۱-۱- تعریف نفاق و اقسام آن

در کتب لغت، واژگان مشتق از ریشه‌ی «نفق» معانی گوناگون دارند؛ اما آنچه به کاربرد آن در این پژوهش نزدیک است، «نَفَق» به معنای تونلی زیرزمینی است که دری دیگر برای خروج دارد. به راه خروجی پنهان که لانه‌ی موش صحرایی است، هم «نافق‌ها» گفته‌اند؛ چون راهی برای فرار به هنگام حمله‌ی دشمن است (قرشی، ۱۳۷۱، ص ۹۷)؛ از این رو، به انسان دوچهره یا به عبارتی در لسان، مؤمن و در دل، کافر هم منافق می‌گویند که او می‌کوشد خود را در داخل «نفق» یا «نافق‌ها» پنهان سازد تا در موارد نیاز، اقدام به فرار کند. نفاق معنای وسیعی دارد که هرگونه دوگانگی ظاهر و باطن و گفتار و عمل را شامل می‌گردد، هرچند در افراد مؤمن باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۱۰۰). نفاق بیماری جان و دل است؛ بنابراین، قرآن درباره‌ی منافقان می‌فرماید: «فی قلوبهم مرض» (بقره: ۱۰)؛ و نیز آنکه منافقان تظاهر به ایمان می‌کنند؛ اما با عمل همراه نیست (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۷۰). قرآن برای شناخت این بیماری نکاتی را متذکر شده است تا مسلمانان بتوانند سلامت و بیماری قلب خویش را تشخیص دهند و بیمارداران جامعه‌ی خود را شناسایی کنند و به مبارزه با آن پردازند (خامی، ۱۳۷۹، ص ۴۲).

به‌رغم آنکه برای فتنه معانی مختلفی همچون شرک، کفر، آزمایش، عذاب در دنیا، سوختن در آتش، گمراهی و غیره مطرح شده است (راغب، ۱۴۱۲، ذیل ماده‌ی فتن)؛ اما به‌نظر می‌رسد، نفاق در اصطلاح یک معنی بیش ندارد و آن اینکه فرد تظاهر به اسلام کند، در صورتی که در باطن کافر باشد. البته نفاق درجات و مراتبی دارد. یکی از مراتب نفاق این است که فردی تظاهر به صلاح کند و در باطن فاسق باشد (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۲۰۸). در قرآن، نفاق معنای منفی دارد و منافق کسی است که با حيله و نیرنگ خود را مسلمان جلوه می‌دهد (شاه‌محمدی و همکاران، ۱۴۰۰). در شرع مقدس، نفاق دو نوع است: یکی نفاق اکبر که در آن، انسان به ایمان به خدا و فرشتگان و غیر آن تظاهر کند؛ اما در باطن به همه یا بخشی از آن بی‌اعتماد باشد که آنچه آیات قرآن بدان وعده‌ی عذاب داده، همین است؛ نوع دوم نفاق اصغر یا عملی است که شخص نیتی داشته باشد؛ اما به ظاهر کار دیگری را انجام دهد (همان).

علما بر آن‌اند که پیدایش نفاق در صدر اسلام با آغاز هجرت همراه بوده است؛ زیرا هجرت مسلمانان و پیامبر^(ص) به مدینه و گسترش و اقتدار اسلام برای منافع برخی صاحب‌منصبان قدیم، از جمله رئیس منافقان مدینه، خطری جدی به‌شمار می‌رفت و چون توان رویارویی و مقابله با اسلام را نداشتند، به حربه‌ی نفاق تمسک جستند و به ظاهر اسلام آوردند و در دل کافر بودند. بدین ترتیب، از همه‌ی حقوق و منافع جامعه اسلامی و از سلامت جان و مال برخوردار می‌شدند؛ اما پنهانی و مخفیانه، اهداف خویش علیه مسلمانان را دنبال می‌کردند (هاشمیان، ۱۳۷۸). باید توجه داشت که خطر نفاق از کفر خیلی بیشتر است؛ زیرا نفاق کفر پنهان است؛ بنابراین، شرایط حکومت امام علی^(ع) که با منافقان می‌جنگید، بسیار سخت‌تر از پیامبر^(ص) بود که با کفار روبرو بودند (مطهری، ۱۳۵۹، ص ۲۰). شاید به همین علت در قرآن کریم، علاوه بر آیات بسیار، سوره‌ای هم در وصف منافقان نازل شده است.

۲-۱-۲- علل پیدایش نفاق

عوامل گوناگونی سبب پیدایش نفاق می‌گردد که امام علی (ع) به بعض آن اشاره کرده‌اند: پیروی از هوی و هوس، سهل‌انگاری، خشم ورزی و طمع (شوشتری، ۱۳۷۶، ص ۴۷).

۱-۲-۱-۲- پیروی از هوی و هوس

از نظر امیرالمؤمنین (ع)، پیروی از هوی و هوس اولین علت پیدایش نفاق است؛ بنابراین، ایشان بارها مردم را از آن بر حذر می‌دارد و می‌فرماید: «إِنَّمَا بَدَأُ وَقُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌ی ۵۰)؛ «آغاز ظهور فتنه‌ها تنها هواهایی است که پیروی می‌شود»؛ و نیز می‌فرماید: «ترسناک‌ترین چیزهایی که برای شما از آن بیم دارم، دو چیز است: هواپرستی و آرزوهای طولانی که هواپرستی انسان را از راه حق باز می‌دارد» (همان، خطبه‌ی ۴۲).

۲-۲-۱-۲- سستی و سهل‌انگاری

سستی و سهل‌انگاری از جمله علل پیدایش نفاق است که امام علی (ع) در مواقع گوناگون یاران خود را بدان سرزنش نمودند و آرزو کردند معاویه ده تن از یاران (سست‌عنصر) حضرت را با یکی از یاران (مصمم) خود معاوضه کنند (همان، خطبه‌ی ۹۷). ایشان برای سستی چند علت مطرح می‌کنند: مغرور شدن، آرزوهای طولانی (که در خطبه‌ی ۴۲ بدان اشاره کردند)، ترس از غیر خدا و سهل‌انگاری (همان، حکمت ۳۱).

۳-۲-۱-۲- خشم ورزی

حضرت، خشم ورزی و تندخویی را از جمله علل پیدایش نفاق دانسته و در جای دیگر آن را نوعی جنون می‌خوانند (همان، حکمت ۲۵۵) شاید بدان جهت که خشم منافق برای خدا نیست بلکه برای حفظ موقعیت خویش است.

۴-۲-۱-۲- طمع‌ورزی

امام علی (ع) طمع‌ورزی را از ریشه‌های نفاق دانسته، طمع‌کار را اسیر بند ذلت می‌خوانند (همان، حکمت ۲۲۶).

۳-۱-۲- رفتار و ویژگی‌های منافقان

در موارد بسیاری از آموزه‌های دینی، آیات قرآن و روایات، به بیان صفات، رفتار و سرانجام منافقان می‌پردازد. بعضی از این صفات عبارت‌اند از:

۱-۳-۱-۲- فرصت‌طلبی: منافقان فرصت طلبند و نه تنها در مشکلات و سختی‌ها مردم را همراهی نمی‌کنند، بلکه پیوسته خود را طلبکار می‌دانند و برای رسیدن بدان، دیگران را فدا می‌نمایند: «لَهُمْ بِكُلِّ طَرِيقٍ صَرِيحٌ»؛ «در هر راهی، کسانی را فدای خود می‌کنند» (همان) و (در طمع) برای رونق

بخشی به بازار خود، نومی‌دی ایجاد می‌کنند و خداوند می‌فرماید: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعَكُم مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ» (نساء: ۱۴۱).

۲-۳-۱-۲- به‌کارگیری خدعه و نیرنگ: خدعه را می‌توان از مهم‌ترین حربه‌های منافقان به‌شمار آورد؛ صفت ناشایستی که خداوند منافقان را بدان معرفی می‌کند: «يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا» (بقره: ۹). امام علی^(ع) نیز درباره‌ی خدعه‌ی منافقان چنین می‌فرماید: «الْمُنَافِقُ مَكْرُورٌ مُّضِرٌّ مُّرْتَابٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۶۴)؛ «منافق نیرنگ‌باز، زیان‌رسان و مردد است.» حضرت منافقان را دارای علم زبانی و بدون دانش واقعی می‌داند. بدین‌گونه که به داشتن دانش تظاهر می‌کند، حال آنکه از آن بهره‌ای ندارند؛ بنابراین، می‌فرماید: «عِلْمُ الْمُنَافِقِ فِي لِسَانِهِ وَ عِلْمُ الْمُؤْمِنِ فِي عَمَلِهِ» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌ی ۸۵)؛ «دانش منافق در زبانش و دانش مؤمن در کردارش است»؛ و نیز می‌فرماید: «منافقان هر بار رنگی به خود گیرند و هرروز سخنی دیگر گویند تا شما را گمراه کنند» (همان، خطبه‌ی ۱۹۴).

۲-۳-۱-۳- کارشکنی و بهانه‌تراشی: در زمان پیامبر^(ص)، منافقان در کارهای ایشان به‌ویژه در جنگ‌ها، پیوسته کارشکنی می‌کردند و می‌کوشیدند دیگران را از رفتن به جهاد بازدارند و خود نیز از جبهه جنگ فرار کنند و اگر هم حضور پیدا می‌کردند، جز در دسر برای مسلمانان کار دیگری انجام نمی‌دادند. خداوند در آیه‌ی ۴۷ سوره‌ی توبه می‌فرماید: «اگر با شما بیرون می‌آمدند، جز شر و تباهی به شما نمی‌افزودند» (سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۸۸۴). جدا ساختن یک‌سوم افراد از لشکر اسلام نمونه‌ی دیگری از کارشکنی آنان در جنگ تبوک و بازداشتن مردم از جهاد به بهانه‌ی گرمی هوا و ترس از لشکر روم بود (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۰۰۳). امیرالمؤمنین^(ع) در این‌باره خطاب به اطرافیان منافق خود می‌فرماید: «هرگاه در ایام تابستان فرمان حرکت به‌سوی دشمن دادم، گفتید: اکنون شدت گرماست، مهلت ده و هرگاه در زمستان دستور دادم، گفتید: هوا سرد است، بگذار سوز سرما کم شود» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌ی ۲۷). این عبارات علاوه بر بهانه‌تراشی می‌تواند شاهده‌ی نیز بر سستی و کندی آنان در عمل باشد.

۲-۳-۱-۴- آسیب‌رسانی به جبهه‌ی حق: یکی از آثار اقدامات منافقان آسیب‌رسانی به جبهه‌ی حق است. آنان پیوسته تلاش می‌کنند تا از این طریق بتوانند به اهداف شوم خویش دست یابند. امام علی^(ع) در وصف آنان می‌فرماید: «قَدْ أَعَدُوا لِكُلِّ حَقٍّ بَاطِلًا» (همان، خطبه‌ی ۱۹۴)؛ «منافقان برای هر حقی، باطلی را مهیا کرده‌اند.» آیه‌ی شریفه‌ی «لَوْ خَرَجُوا فِئَكُمْ مَارَادُكُمْ إِلَّا خَبَالًا» (توبه: ۴۷) نیز بیان‌کننده‌ی این ویژگی زشت منافقان است.

۲-۳-۱-۵- شک، تردید و شبهه: از جمله ویژگی‌های منافقان تردید و دودلی نسبت به دین برای خود آنان و ایجاد آن در وجود دیگران است که روایت پیش‌گفته‌ی «الْمُنَافِقُ مُكْوَرٌ مُّرْتَابٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۶۴)، بر این دلالت دارد. همین شبهه و تردید است که سبب بازماندن آنان از تبعیت حق می‌گردد و آنان دیگران را نیز دچار شبهه می‌کنند: «يَقُولُونَ قَيْتَشَبْهُونَ» (نهج‌البلاغه،

۱۳۸۵، خطبه‌ی ۱۹۴).

۱-۲-۳-۶- ولایت‌ستیزی: خودبرتری‌بینی فتنه‌جویان منافق موجب می‌شود از هدایت رهبران الهی بیرون روند و به ستیزه‌گری با ولایت برخیزند (منافقون: ۵)؛ بنابراین، امام علی (ع) دربارهٔ جنگ‌های سه‌گانه‌ای که بر ایشان تحمیل شد، می‌فرماید: «فَلَمَّا نَهَضْتُ بِالْأَمْرِ نَكَّتْ طَائِفَةٌ وَمَرَقَتْ أُخْرَى وَ قَسَطَ آخَرُونَ» (همان، خطبه‌ی ۳)؛ «هنگامی که زمام امور را به‌دست گرفتم، گروهی پیمان شکستند و گروهی دیگر از دین خارج شدند و گروهی ستمگری ورزیدند» که این‌ها همه از ولایت‌ستیزی عاملان و بانیان آن حکایت دارد.

۱-۲-۳-۷- شایعه‌پراکنی و ایجاد جنگ روانی و جو ناامیدی: منافقان با شایعه‌پراکنی و پخش اخبار دروغ، جنگ روانی علیه مسلمانان راه انداختند. قرآن آنان و فتنه‌گران را «مَرَجِفُونَ»، یعنی اشاعه‌دهنده‌ی اراجیف و اضطراب در جامعه لقب داده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۱۰)؛ و نیز می‌فرماید: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا» (احزاب: ۶۰). از لحن آیه چنین استفاده می‌شود که سه گروه یعنی منافقان، بیماردان و مرجفون، در مدینه مشغول خرابکاری بودند؛ یا این صفات در منافقان جمع بود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۵۱۰). (آنان) از شایعه به‌عنوان جنگ روانی برای ایجاد نومیدی و تضعیف روحیه مردم بهره می‌برند (نک: آخوندی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۴) و «و مَقْنَطُوا الرَّجَاءَ... يَتَوَصَّلُونَ إِلَى الطَّمَعِ بِإِيَّاسٍ لِيُقِيمُوا بِهِ أَسْوَاقَهُمْ» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌ی ۱۹۴)؛ «و رشته‌ی امیدها را می‌برند... نومید‌نمایی را وسیله‌ی آزمندی خود قرار دادند تا بازار خود را گرم کنند».

۱-۲-۳-۸- پشتیبانی از یکدیگر برای انجام منکرات: منافقان و فتنه‌جویان به‌رغم اختلاف داخلی، برای مبارزه با اسلام و ارزش‌های الهی، با یکدیگر متحد و همدست می‌شوند: «الْمُنَافِقُونَ وَ الْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ» (توبه: ۶۷). امام علی در وصف منافقان و فتنه‌گران می‌فرماید: «بدعت‌هایی خلاف کتاب خدا گذاشته می‌شود، آنگاه کسانی کسان دیگر را در اموری یاری می‌کنند که خلاف دین خداست» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌ی ۵۰).

۱-۲-۳-۹- دروغ‌گویی: دروغ‌گویی و لاف‌زنی از نشانه‌های بارز منافقان است که خداوند بدان شهادت می‌دهد؛ بنابراین، نباید از سخنان آنان فریب خورد: «وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ» (منافقون: ۱؛ توبه: ۱۰۷). «آنان اربابان خود را نیز فریب می‌دهند» (حشر: ۱۱) «و سخن به باطل می‌گویند و آن را حق جلوه می‌دهند» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌ی ۱۹۴).

۱-۲-۳-۱۰- استفاده از نمادهای اسلامی علیه اسلام: منافقان برای فریب مردم و آسیب زدن به مسلمانان از نمادهای اسلامی استفاده می‌کردند. نمونه‌ی بارز آن مسجد ضار بود که قرآن بدان پرداخته است (توبه: ۱۰۷). امام علی (ع) زمانی که گروهی را دیدند که از عبارات دینی همچون «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ»، برای فتنه‌انگیزی سوءاستفاده می‌کنند فرمودند: «كَلِمَةٌ حَقٌّ يُرَادُ بِهَا الْبَاطِلُ» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌ی ۴۰)؛ «سخن حقی است که با آن هدف باطل بیان می‌شود».

۱-۲-۳-۱۱- خوشحالی از شکست مسلمانان: منافقان از پیروزی پیامبر (ص) و مسلمانان ناخشنود و از شکست آنان خوشحال می‌شدند: «إِنْ تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَ إِنْ تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا

أَمْرًا مِنْ قَبْلُ وَ يَتَوَلَّوْا وَ هُمْ فَرِحُونَ» (توبه: ۵۰). این منافقین بدخواه تو هستند، اگر غنیمت به دست آوری و پیروز شوی، ناراحت می‌شوند و اگر کشته و یا زخمی گردی، گویند: ما قبلاً خود را از این گرفتاری‌ها بر حذر داشتیم و آنگاه با خوشحالی از تو روی می‌گردانند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۴۱۰). آنان اگر دیگران (مسلمانان) در راحتی باشند، رشک می‌برند و به جد خواستار بلا هستند (نهج البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌ی ۱۹۴).

۲-۲-۲- فتنه

برای آگاهی بیشتر از فتنه ابتدا به تعریف آن پرداخته می‌شود.

۲-۲-۱- تعریف فتنه و اقسام آن

فتنه را آزمایش و امتحان هم گفته‌اند؛ همچون طلا که در آتش قرار می‌دهند تا ناب بودن آن فهمیده شود (نک: عظیمه، ۱۳۸۷، ص ۴۴۴). از نظر راغب، فتنه گاه از جانب خداوند و گاه از سوی بنده است. هرگاه از جانب خداوند باشد، بنا بر حکمت و اگر از انسان باشد، خلاف آن است (راغب، ۱۴۱۲، ذیل ماده‌ی فتن)؛ برای مثال: «وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ» (بقره: ۱۹۱) و نیز «إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ...» (بروج: ۱۰). فتنه همچون بلا بیشتر در امور سخت به کار می‌رود. خداوند درباره‌ی هر دو فرموده است: «وَ نَبَلُوكُمْ بِالْأَشْرِّ وَ الْخَيْرِ فَتْنَةً» (انبیاء: ۲۵). فتنه در مفهوم قرآنی آن جریانی است که با سیاهی‌آفرینی و شبهه‌پراکنی موجب ملتهب شدن فضای جامعه می‌شود؛ بنابراین، قرآن مسلمانان را از وقوع چنین فتنه‌ها و پیامدهای ناگواری برحذر می‌دارد: «وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً...» (انفال: ۲۵). دیگر اینکه «فتنه» با توجه به آموزه‌های قرآن و روایات، به زمان و مکان خاصی منحصر و محدود نیست (یساقی، ۱۳۷۹، ص ۱۸۶).

اندیشمندان درباره‌ی فتنه تعاریف مختلفی ارائه کرده‌اند. علامه طباطبایی ذیل آیه‌ی «وَ حَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةً» (مائده: ۷۱) می‌گوید: «فتنه همان محتنی است که آدمی را می‌فریبد.» ایشان در تفسیر آیه‌ی «وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً» (انفال: ۲۵). بر آن است که فتنه‌ی مذکور هرچند که از سوی برخی از ستمگران است؛ اما از باب امر به معروف و نهی از منکر بر عموم امت واجب است که به دفع آن اقدام کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۶۴). از نظر آیه‌الله مکارم، فتنه به حوادث پیچیده‌ای می‌گویند که ماهیت آن روشن نیست؛ ظاهری فریبنده و باطنی مملو از فساد دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۲۳۶).

شهید دستغیب فتنه را یا در امور دینی یا دنیوی می‌داند که فتنه دینی هم چند قسم است: گاهی شخص سعی می‌کند که مردم را گمراه سازد و نگذارد دین حق را بپذیرند و به القای شبهات می‌کوشد و گاهی به وسیله‌ی اذیت و شکنجه کسانی را که دین را پذیرفته‌اند، مانع قبول کردن حق توسط دیگران می‌شود؛ مانند معامله‌ی مشرکان مکه با مسلمانان صدر اسلام و معاویه با شیعیان حضرت امیرالمؤمنین^(ع). در هر قرن، فتنه‌هایی برای آزمایش و بازشناسی افراد نیک و بد از

یکدیگر وجود دارد (دستغیب، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۵۹-۳۶۰).

فتنه‌ها را به‌طورکلی می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: اول، فتنه‌هایی که آهنگ دینی دارند؛ مانند اینکه شعاری را به نام حمایت از دین و راه حق و عدالت مطرح کنند؛ اما این شعارها تزویری باشند؛ دوم، فتنه‌هایی که از آغاز با شعارهای مادی و دنیوی همراه‌اند و به نام دفاع از حقوق اشخاص، آنان را فریب می‌دهند. در همه‌ی اقسام فتنه، افرادی عاملان اصلی و دست‌اول را تشکیل می‌دهند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۵).

۲-۲-۲- اقسام فتنه‌جویان

عاملان فتنه یا اجزای تشکیل‌دهنده و مؤثر در فتنه به دو گروه طراحان و کارگزاران قابل‌تقسیم هستند.

۲-۲-۲-۱- طراحان: طراحان فتنه که نخستین قدم‌ها را برمی‌دارند، عاملان اصلی فتنه به‌شمار می‌آیند و از راه غبارآلود کردن فضا و گل‌آلود کردن آب، خواسته‌های خود را محقق می‌کنند.

۲-۲-۲-۲- کارگزاران و مباشران: عاملان دوم فتنه کسانی هستند که در این مسیر به کاررفته می‌شوند؛ یا آن‌ها را فریب می‌دهند و یا مزدور هستند.

۲-۲-۲-۳- قاعدین در فتنه: این گروه نیز به دو دسته‌ی نخبگان بی‌بصیرت و ساکتان در فتنه تقسیم می‌شوند.

۲-۲-۲-۴- نخبگان بی‌بصیرت: این گروه از مروجان و گسترش‌دهندگان فتنه هستند. کسانی که نه نیت سوئی دارند و نه در پی هدف مادی، دنیوی و شیطانی هستند. گاه احتمال دارد آنان با نیت خیر و فراتر از آن، برای انجام‌وظیفه و تکلیف شرعی خود اقدامی کنند و چه‌بسا سخن حقی را بیان نمایند؛ اما در زمان یا مکان یا به شکلی باشد که فتنه‌جویان از آن بهره می‌برند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۶).

۲-۲-۲-۵- ساکتان در فتنه: این گروه با توجه به احادیثی مبنی بر پیش‌بینی وقوع فتنه‌ها و امتحان‌های دشوار در آخرالزمان، آن‌ها را قضای حتمی الهی می‌دانند؛ زیرا اهل‌بیت^(ع) پیش‌بینی کرده‌اند و گریزی از آن‌ها نیست. آنان این موضوع را به یک معنا، بهانه‌ی تنبلی خود قرار می‌دهند و در برابر فتنه‌ها تسلیم می‌شوند. برخی از ایشان از این کلام حضرت امیر^(ع) سوءاستفاده می‌کنند که می‌فرماید: «كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابْنِ اللَّبُونِ لَا ظَهْرَ فَيْرُكْبَ وَ لَا صَرْعَ فَيَحْلَبُ» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، حکمت ۱)؛ «در زمان فتنه، مانند شتر دوساله باش؛ نه پشتی دارد که بر او سوار شوند و نه پستانی که او را بدوشند». آنان می‌گویند: مقصود حضرت این است که در فتنه بی‌طرف باش، درحالی‌که مقصود ایشان آن است که از تو سوءاستفاده نکنند.

۳-۲-۲- ویژگی‌های فتنه‌گران

ساده‌ترین راه شناخت فتنه‌ها آشنایی با صفات فتنه‌گران و تطبیق آن با موارد مشکوک است. فتنه‌جویان نشانه‌هایی دارند که در منابع اسلامی به آن اشاره‌شده که عمدتاً با صفات منافقان

یکی است؛ زیرا ریشه‌ی همه‌ی فتنه‌ها به نفاق و دوجهرگی بازمی‌گردد (آخوندی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۹) و نیز کسانی که در پیدایش یا گسترش فتنه مشارکت دارند، مانند یکدیگر نیستند و ویژگی روانی و شخصیتی خاصی دارند. برخی از ویژگی‌های فتنه‌گران عبارت‌اند از:

۲-۳-۱- شبهه‌آفرینی و در هم آمیختن حق و باطل: فتنه‌ها در لباس حق ظهور می‌کنند و حق و باطل را بر مردم مشتبه می‌سازند. امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «إِنَّ الْفِتْنَ إِذَا اقْبَلَتْ شَبَّهَتْ» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌ی ۳۸)؛ «فتنه‌ها آنگاه‌که پدیدار شوند، به حق شبیه‌اند.»

۲-۳-۲- ایجاد آشفتگی در جامعه: فتنه‌ها تیره و تاریک‌اند و جامعه را تاریک و آشفته می‌سازند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۲۳۳) و فتنه‌گران بدان دامن می‌زنند. در روایتی از رسول خدا (ص)، فتنه‌ها به شب تار و ظلمانی تشبیه شده‌اند: «فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْفِتْنَةُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ» (بحرانی، ۱۳۱۶، ج ۱، ص ۱۵)؛ «آنگاه‌که فتنه‌ها همچون پاره‌های شب تار شما را در خود درمی‌پیچد، بر شماست که به قرآن مراجعه کنید.» در خطبه‌ی ۱۰۲ نهج‌البلاغه نیز بدان اشاره شده است: «فَتَنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌ی ۱۰۲).

۲-۳-۳- گستردگی و فراگیری فعالیت فتنه‌گران: فعالیت فتنه‌گران گسترده و در نتیجه، فتنه‌ها گسترده و فراگیرند و آتششان دامن ظالم و مظلوم را می‌سوزاند: «و اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً» (انفال: ۲۵). امام علی (ع) می‌فرماید: «پیش از آنکه فتنه‌ای لجام‌گسیخته که همچون شتری بی‌صاحب حرکت می‌کند، و مهار خود را پایمال می‌نماید و مردم را می‌کوبد و آزرده و سرگردان می‌سازد، رخ بنماید، از من بپرسید» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌ی ۱۸۹). این هشدار نشان‌دهنده‌ی جایگاه بصیرت و شناخت و نقش امام برای دور ماندن از حیرت و سرگستگی در دوران فتنه است.

۲-۳-۴- تحقیر و توهین به مؤمنان: فتنه با توهین و تحقیر فتنه‌گران نسبت به مؤمنان قرین است تا آنان را در جامعه منزوی کنند: «إِنَّ الَّذِينَ أٰجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ» (مطففین: ۲۹). این آیه به دنبال تمسخر منافقان و فتنه‌گران نسبت به امام علی (ع) نازل شده است (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۶ ص ۳۸). امیرالمؤمنین (ع) درباره‌ی نگاه تحقیرآمیز نسبت به مؤمنانی که با فتنه‌گران می‌جنگند، می‌فرماید: «يُجَاهِدُهُمْ فِي اللَّهِ قَوْمٌ آذَلَةٌ عِنْدَ الْمُتَكَبِّرِينَ فِي الْأَرْضِ مَجْهُولُونَ فِي السَّمَاءِ مَعْرُوفُونَ» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌ی ۱۰۲)؛ «مردمی با آنان جهاد می‌کنند که در چشم متکبران خوار و در روی زمین گمنام و در آسمان‌ها معروف‌اند.»

۲-۳-۵- فخرفروشی و بلندپروازی: بلندپروازی و فخرفروشی از مهم‌ترین ویژگی‌های فتنه‌گران است. کسانی که به زندگی ساده‌ای قانع‌اند و همتشان تهیه‌ی روزی و آرامش است، حوصله‌ی درگیری و فتنه ندارند و برای جامعه مشکل‌ساز نیستند؛ اما بلندپروازانی چون فرعون (قصص: ۴) با ایجاد تفرقه در مردم، مانع تلاش آنان علیه خود می‌شوند (نک: طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۷ ص ۲۳۹) و فتنه‌گرانی مانند فرعون و هیتلر، به دنبال رهبری و تصرف همه‌ی جهان هستند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۹). امام علی (ع) خطاب به فتنه‌گران می‌فرماید: «...وَصَعُوا تَيْجَانَ الْمَفَاخِرَةِ»

(نهج البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌ی خطبه ۵)؛ «و تاج‌های فخرفروشی را از سر بردارید.»

۲-۳-۶- داشتن تفکر التقاطی: اندیشه‌ی التقاطی یعنی تلفیق دو تفکر حق و باطل ناشی از بی‌اعتقادی به حق و حقیقت، از صفات فتنه‌گران است؛ زیرا به آیین الهی جز آنچه به اهداف شیطانی آنان ضرر نزند، ایمان ندارند: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۵۰)؛ بنابراین، امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «يُوحَدُ مِنْ هَذَا ضِعْفٌ وَ مِنْ هَذَا ضِعْفٌ فَيَمْرُجَانِ» (نهج البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌ی ۵۰)؛ اما قسمتی از حق و قسمتی از باطل را می‌گیرند و به هم می‌آمیزند (همان، ص ۱۰۲).

۲-۳-۷- بی‌فرهنگی و بی‌هویتی: «بی‌فرهنگی» صفت دیگر اهل فتنه است. امیرالمؤمنین (ع) در وصف فتنه‌گران شام که از طبقات مختلف و نژادهای گوناگون و با اهداف متفاوت و در دشمنی با نظام علوی همدست بودند، می‌فرماید: «آنان درشت‌خویانی پست و بردگانی فرومایه، از گوشه و کنار گرد آمده‌اند و از گروه‌های مختلفی ترکیب یافته‌اند، مردمی که سزاوار آن‌اند که دین و ادب و دانش به آنان آموخته شود و تربیت و سرپرستی گردند و دستشان گرفته شود. نه از مهاجران‌اند، نه از انصار و نه از صاحبان ایمان و هجرت...» (نهج البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌ی ۲۳۸) این گروه بی‌فرهنگ و جاهل یا خود فتنه‌گر بودند یا آلت دست سران فتنه قرار می‌گرفتند و به نبرد با امام حق می‌آمدند.

۲-۳-۸- بدعت‌آفرینی و ترک سنت‌های دینی: در ادبیات دینی، بدعت پیوسته نکوهش شده است و در کلام امام علی (ع) بدعت‌آفرینی آغاز فتنه‌گری دانسته شده است: «إِنَّمَا بَدَأَ وَقُوعِ الْفِتَنِ... وَ آرَأُ تَبْتَدَعُ» (همان، خطبه‌ی ۵۰)؛ «سرآغاز فتنه‌ها... و احکامی است که بدعت گذاشته می‌شوند.» امام علی (ع) در خطبه‌ای، ضمن برشمردن فضایل اهل بیت (ع) که تجسم حق‌اند، مخالفان را چنین توصیف می‌کند: «قَدْ خَاضُوا بِحَارِ الْفِتَنِ وَآخَذُوا بِالْبَدْعِ دُونَ السُّنَنِ وَارَزَّ الْمُؤْمِنُونَ وَنَطَقَ الضَّالُّونَ الْمُكْذِبُونَ» (همان، خطبه‌ی ۱۵۴)؛ «گروهی در دریا‌های فتنه‌ها فرورفتند و بدعت‌ها را گرفتند و سنت‌ها را رها کردند (در آن شرایط)، مؤمنان کناره‌گیر شدند و گمراهان دروغ‌گو لب به سخن گشودند.» آری سه جنگی که بر امیرالمؤمنین (ع) در دوران خلافتش تحمیل شد، نتیجه‌ی فتنه‌گری مخالفان و منافقان بود.

۲-۳-۹- دنیاپرستی و هواپرستی: غلبه‌ی شهوت و هوای نفس بر وجود انسان یکی از عوامل مهم فتنه‌گری است و دوستی دنیا سرچشمه‌ی این شهوات است. دنیاپرستان برای حفظ دنیای خود حاضرند به هر جنایتی دست زنند (آخوندی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۷). هوای نفس با گرفتن طریق عقل، راه فتنه را برای آدمی هموار می‌سازد. امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «إِنَّمَا بَدَأَ وَقُوعِ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تَتَّبِعُ» (نهج البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌ی ۵۰)؛ «همانا آغاز پیدایش فتنه‌ها پیروی از هوای نفس است.» امام صادق (ع) فرمودند: «رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۱۵)؛ «رأس همه‌ی خطاها و انحرافات دوستی دنیا است.» امیرمؤمنان (ع) نیز فرمودند: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ الْفِتَنِ وَ أَصْلُ الْمِحْنِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۱۱۱)؛ «دوستی دنیا رأس فتنه‌ها و ریشه‌ی مشکلات است»؛ و نیز فرمودند:

«الْهَوَى مَطِيَّةُ الْفِتَنِ» (همان، ۱۳۶۶، ص ۳۰۶): «هوایرستی مرکب راهوار فتنه‌هاست.»

۲-۳-۱۰- ریاست‌طلبی و داشتن خوی استکباری: فتنه‌جویی ریشه در ریاست‌طلبی و خوی استکباری دارد. فتنه‌گر یا می‌خواهد به ریاست و سروری دست یابد و یا ترس از دست دادن پست و مقام خود را دارد. مشرکان قریش برای حفظ ریاست بر مکه و موقعیت خود، به مبارزه و فتنه‌گری علیه رسول خدا (ص) دست زدند و عبدالله بن ابی، سلسله‌ی منافقان که قرار بود پیش از هجرت رسول خدا (ص)، فرمانروای مطلق مدینه شود؛ اما با ورود رسول خدا (ص) به مدینه، این موقعیت از او گرفته شده بود، به فتنه‌انگیزی پرداخت (سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۴۳۸). امام علی (ع) فرمودند: «از آنان می‌خواهند تاج‌های مباهات به مال و جاه را از سر بردارند» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌ی ۵).

۲-۳-۱۱- استفاده‌ی ابزاری از مردم: استفاده‌ی ابزاری از مردم ویژگی دیگر اصحاب فتنه است. امیرمؤمنان (ع) به فتنه‌ی امویان و سلطه‌ی آنان بر مردم و استفاده‌ی ابزاری همراه با خشونت از آنان پس از شهادت خویش اشاره می‌کند و می‌فرماید: «لَا يَزَالُونَ بِكُمْ حَتَّى لَا يَتْرُكُوا مِنْكُمْ إِلَّا نَافِعًا لَهُمْ أَوْ غَيْرَ صَائِرٍ بِهِمْ» (همان، خطبه‌ی ۹۳): «آنان پیوسته این رویه و رفتار را با شما دارند تا آنجا که کسی را از شما باقی نمی‌گذارند، مگر آنکه برای آنان سود داشته باشند یا ضرری برایشان نداشته باشد.»

۲-۳-۱۲- برخورداری از تعصبات جاهلی و تبعیت از شیطان: تسویه حساب با دین خدا و مؤمنان راستین ویژگی دیگر اصحاب فتنه است؛ آنان که با حکومت امام علی (ع) درافتادند و در کربلا به جنگ با امام حسین (ع) و یارانش پرداختند. امام علی (ع) در توصیه به مردم می‌فرماید: «شراره‌های تعصب و کینه‌های دوران جاهلیت را که در سینه‌های پنهان است، خاموش سازید. این تکبر و تعصب از کشش‌های شیطانی و وسوسه‌های اوست؛ زیرا ابلیس از میان هر امتی، لشکریان و یارانی سواره و پیاده‌نظام دارد که آنان را به کار می‌کشد» (همان، خطبه‌ی ۱۹۲).

۲-۳-۱۳- اتهام زدن به رهبران و پیشوایان و تبلیغات سوء علیه آنان: فتنه‌گران می‌کوشند با تهمت و افترا و تبلیغات گسترده، سیمای رهبران و پیامبران الهی و سکان‌داران جامعه دینی را خراب کنند، از آنان چهره‌ای زشت و نامطلوب ترسیم نمایند و با این شیوه، آنان را منزوی کنند و اگر ترور شخصیت کارساز نبود، آنان را ترور فیزیکی نمایند؛ مانند به شهادت رساندن امامان معصوم (ع) و عالمان دین (آخوندی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۵). فتنه‌جویان برای ترور شخصیت پیامبران الهی به آنان تهمت شاعر، ساحر، دیوانه (هود: ۳۳؛ قمر: ۳۸، قمر: ۹) و جادوگر و... می‌زدند: «هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ» (ص: ۴). امام علی در شکایت از این صفت زشت منافقان و فتنه‌گران می‌فرماید: «اگر (درباره‌ی حقم از حکومت) بگویم، می‌گویند آزمند فرمانروایی هستم و اگر لب بندم و خاموشی گزینم، می‌گویند از مرگ می‌ترسد» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌ی ۵).

۲-۳-۱۴- شبهه افکنی: فتنه‌جویان با ایجاد شبهه و واژگون جلوه دادن حقایق می‌کوشند فضای جامعه را غبارآلود کنند تا نتوانند به اهداف خود برسند. آنان بر این باورند که نمی‌توانند اعتقادات و باورهای دینی مسلمانان را از ذهنشان بیرون کنند و آنان را به خدا کافر نمایند؛ اما

می‌توانند با ایجاد شبهه و تشکیک، باورها و اعتقاداتشان را سست کنند که آیه‌ی ۷ آل‌عمران به این اشاره دارد و امیرمؤمنان (ع) نیز درباره‌ی شبهه‌افکنی خوارج با شعار «لا حکم الا لله» فرمودند: «کلمه‌ی حقی است که از آن اراده‌ی باطل می‌شود. آری درست است، فرمانی جز فرمان خدا نیست؛ اما این‌ها می‌گویند: زمامداری جز برای خدا نیست، درحالی‌که مردم به زمامداری نیک یا بد نیازمندند» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌ی ۴۰).

۲-۳-۱۵- ابتلا به شبهات: فتنه‌گران نه تنها دیگران را در دام شبهات گرفتار می‌کنند، بلکه خود نیز بدان مبتلا هستند. امام علی (ع) وجود شبهات در دل‌های ناکثین و فتنه‌گران را از جمله علل راه‌اندازی جنگ جمل می‌داند (همان، خطبه‌ی ۱۵۱).

۲-۳-۱۶- تهدید و ارباب: ارباب و تهدید مخالفان به تبعید، شکنجه، کشتار و... از ترفندهای فتنه‌جویان به‌شمار می‌آید که در طول تاریخ سابقه دارد. فتنه‌گران به‌رغم اینکه به ظاهر خود را مظهر رأفت و انسان‌دوستی معرفی می‌کنند، سنگدلانی هستند که برای رسیدن به دنیای خویش، از هیچ جنایتی فروگذار نیستند (آخوندی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۹). قرآن می‌فرماید: فرعون به موسی گفت: «لَأَجْعَلََنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ» (شعراء: ۲۹)؛ «تو را زندان می‌کنم»؛ و قوم شعیب پیامبر به او گفتند: «لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شَعِيبُ» (اعراف: ۸۸)؛ «ای شعیب! تو را از شهر بیرون می‌کنیم.» امیرالمؤمنین (ع) درباره‌ی فتنه‌ی جمل و ایجاد رعب از سوی طلحه و زبیر فرمود: «وَقَدْ أَرَعَدُوا وَ أَبْرَقُوا...» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌ی ۹)؛ «همچون رعد صدا کردند، ترسانیدند و مثل برق درخشیدند و از جا درآمدند (با لاف‌وگزار فتنه‌انگیختند).»

۲-۳-۱۷- اختلاف افکنی: تجلی توان و قدرت در اتحاد و یکپارچگی یک ملت است. فتنه‌جویان می‌کوشند آن را با ایجاد فرقه از بین ببرند یا تضعیف کنند، کاری که فرعون بدان پرداخت: «وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا» (قصص: ۴) و نیز: «وَلَا وَضَعُوا خِلَافَكُمْ يَبْغُونَكُمْ الْفِتْنَةَ» (توبه: ۴۷). به‌سرعت در میان شما نفوذ می‌کنند و به فتنه‌انگیزی (و ایجاد تفرقه و نفاق) می‌پردازند، درحالی‌که خداوند مؤمنان را با دعوت به اطاعت‌پذیری از ولایت و صبر به پرهیز از تفرقه می‌خواند تا قدرت آنان باقی بماند: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال: ۴۶). امام علی (ع) در نکوهش تفرقه‌ی اصحاب خود می‌فرماید: «نه اوامر من که سبب خوشنودی است، شما را راضی می‌کند و نه آنچه باعث خشم من است (سبب وحدت شما می‌شود و) بر آن اتفاق می‌کنید (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌ی ۱۸۰).

۲-۳-۱۸- چهره‌ی پنهان و نفاق و دورویی: نفاق و چندچهرگی و نیز چهره‌ی پنهان فتنه‌گران و اهداف پشت‌پرده‌ی فتنه مهم‌ترین عامل فریب خوردن اشخاص در برابر فتنه است. برخی افراد چنین هنری دارند که می‌توانند با هرکس به‌مقتضای روحیه‌ی او برخورد کنند. این افراد به‌سبب توانایی پنهان‌کاری، اغلب شناخته نمی‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۵). در همین حالت است که فتنه و نفاق با یکدیگر پیوند می‌خورند. امام علی (ع) در این‌باره می‌فرماید: «إِنَّ الْفِتْنَ إِذَا أَقْبَلَتْ شَبَّهَتْ وَإِذَا أَدْبَرَتْ تَبَّهَتْ يُنْكَرَنَّ مُقْبِلَاتٍ وَ يُعْرَفَنَّ مُدْبِرَاتٍ» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌ی ۹۳)؛ «فتنه‌ها وقتی می‌آیند، غلط‌اندازند و چون می‌روند، بیدارگرند. وقتی روی می‌آورند، ناشناس‌اند و چون

پشت می‌کنند، شناخته می‌شوند.»

۲-۳-۱۹- فرار به جلو: فتنه‌گران گاهی برای آنکه متهم نشوند، دیگران را متهم می‌کنند و جنایت‌هایی را که خود مرتکب می‌گردند، به دیگران نسبت می‌دهند و سیاست «فرار به جلو» دارند. امام علی (ع) در وصف آنان که خود در کشته شدن عثمان نقش داشتند؛ اما دیگران را متهم می‌کردند و ادعای خون‌خواهی داشتند، می‌فرماید: «به خدا سوگند، با شتاب به خون‌خواهی عثمان نشتافتید، مگر به سبب ترس از اینکه مورد خون‌خواهی قرار بگیرید؛ زیرا خودشان مورد اتهام بودند. آنان خواستند تا با لشکرکشی به‌عنوان خون‌خواهی عثمان، مردم را به اشتباه و شک اندازند» (همان، خطبه‌ی ۱۷۴).

۲-۳-۲۰- داشتن وحدت تاکتیکی: ویژگی شخصیتی دیگر فتنه‌گران وحدت تاکتیکی آنان است. امیرمؤمنان (ع) در این باره می‌فرماید: «شما ای جماعت عرب!... ثابت و هوشیار باشید. فتنه به‌صورت رهگذری پنهان آغاز می‌شود و به رسوایی فجیعی می‌انجامد. در دوران جوانی، فتنه خوش‌سیما و دلرباست؛ اما آثار آن همچون آثار باقیمانده بر سنگ‌های سخت، زشت و دیرپاست... و فتنه‌گران با عهد و پیمان‌های دروغین و با تظاهر به ایمان، مردم را فریب می‌دهند...» (همان، خطبه‌ی ۱۵۱). این توصیف بلند و گویا هم‌سیمای فتنه و هم‌نیت‌ها و برنامه‌های مخفی اصحاب فتنه و نیز وحدت تاکتیکی آنان و آثار فتنه را به تصویر می‌کشد و هم از فتنه‌های شدیدتر پیش‌رو خبر می‌دهد.

۳- رابطه‌ی نفاق و فتنه

فتنه و نفاق دو واژه‌ی به ظاهر متفاوت از یکدیگر هستند؛ اما همان‌گونه که پیش‌تر مطرح شد، ارتباطی مستحکم و وثیق میان آن دو برقرار است، به‌گونه‌ای که در بعضی از آیات قرآن، آن دو در کنار یکدیگر ذکر شده‌اند و در مواردی که بدان تصریح نشده است، این رابطه به‌خوبی مشهود است. در کلام معصومان نیز این همبستگی به چشم می‌خورد؛ بنابراین، امام علی (ع) در وصف منافقان می‌فرماید: «...وَيَفْتَنُونَ أَفْتِنَانًا» (همان، خطبه‌ی ۱۹۴)؛ زیرا در حقیقت، منافقان برای رسیدن به اهداف خویش، به فتنه متوسل می‌شوند و فتنه‌گران برای جبران ناکامی‌های خود و نیز برای انتقام‌جویی و ستیز با حق‌مداران، با منافقان همدست می‌شوند و بدین گونه است که پیوند میان نفاق و فتنه صورت می‌گیرد و آثار خود را آشکار می‌سازد. در این پژوهش هرچند که تنها برخی از ویژگی‌ها و آثار فتنه و نفاق و صفات منافقان و فتنه‌گران در نهج‌البلاغه بررسی شده است؛ اما مقایسه‌ی میان آن‌ها، مطلب پیش‌گفته را تأیید می‌کند.

ویژگی‌های منافقان و فتنه‌گران و اشتراکات آنان

اشتراکات	ویژگی‌های فتنه‌گران	ویژگی‌های منافقان
شبهه‌آفرینی و ایجاد شک و تردید تبعیت از هوای نفس و آرزوهای طولانی ولایت‌ستیزی دنیاطلبی طمع‌ورزی ایراد اتهامات دروغ بر حق‌مداران، سستی	شبهه‌آفرینی و ایجاد شک و تردید، دنیاطلبی و هواپرستی و ثروت‌طلبی، برتری‌طلبی و داشتن خوی استکباری، ریاست‌طلبی و احساس غرور و کسب القاب فریبنده، حيله و نیرنگ و داشتن چهره‌ی پنهان و نفاق، تبعیت از هوای نفس و آرزوهای طولانی، تفکر التقاطی، تحقیر مؤمنان و حسادت نسبت به آنان، حق‌ستیزی و ولایت‌ستیزی و انتقام‌جویی از آنان، استفاده‌ی ابزاری از مردم و تهدید آنان، تبلیغات سوء و اتهام‌زنی به مؤمنان، بدعت‌آفرینی، بی‌فرهنگی و بی‌هویتی، اختلاف‌افکنی میان مردم و اتحاد تاکتیکی با همفکران خود و فرار روبه‌جلو، اتهام‌زنی به رهبران دینی	خدعه و فریب، کارشکنی در امور مسلمانان، آسیب‌رسانی به جبهه‌ی حق، شبهه‌افکنی، ولایت‌ستیزی، انجام تبلیغات سوء و شایعه‌پراکنی، ایراد اتهامات دروغ بر حق‌مداران، سستی و سهل‌انگاری، طمع‌ورزی و دنیاطلبی و پیروی از هوا و هوس، گمراه بودن و گمراه ساختن دیگران، ایجاد نومیدی و خشم‌ورزی، فرصت‌طلبی، پشتیبانی از یکدیگر در منکرات و...

همان‌گونه که مشهود است، همسویی چشمگیری میان فتنه و نفاق وجود دارد که می‌توان ادعا کرد که وجود یکی بدون دیگری دشوار است؛ بنابراین، آثاری که در سخن امام (ع) برای یکی مطرح‌شده، برای دیگری نیز قابل‌تعمیم است.

۴- آثار تربیتی فتنه و نفاق در جامعه‌ی اسلامی

از صدر اسلام تاکنون، حضور منافقان و فتنه‌گران در جامعه‌ی اسلامی پیوسته مشکلاتی را به همراه داشته و آثار تربیتی سوئی از خود برجای گذاشته است که به بعضی از موارد آن از نگاه نهج‌البلاغه اشاره می‌گردد:

۴-۱- مبتلا شدن انسان‌های نیکوکار و شایسته: امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «در نظر من، ترسناک‌ترین فتنه‌ها، فتنه‌ی بنی‌امیه است. فتنه‌ای کور و تاریک که همه‌جا را تحت سلطه‌ی خود گرفته و بلای آن دامن‌گیر نیکوکاران است» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌ی ۹۳)؛ زیرا در فتنه‌های کور و تاریک، هیچ چیز به رسمیت شناخته نمی‌شود و ارزش‌ها و صاحبان آن پایمال می‌گردند.

۴-۲- به انزوا کشیده شدن مؤمنان: حضرت در رابطه با این مشکل جامعه‌ی اسلامی می‌فرماید: «...وَأَرَزَّ الْمُؤْمِنُونَ وَنَطَقَ الضَّالُّونَ الْمَكْدِيُونُ»؛ «مؤمنان کناره‌گیر شدند و گمراهان دروغ‌گو به سخن آمدند» (همان).

۴-۳- تیره‌گون شدن فضای جامعه و دیدگاه مردم: امام علی (ع) هنگام خبر دادن از آینده‌ی خونین بصره، چنین می‌فرماید: «آنجا فتنه‌هایی چون پاره‌های شب تاریک است که هیچ‌کس را یارای مقاومت در برابر آن نیست» (همان، خطبه‌ی ۱۰۲)؛ «چراغ هدایت بی‌نور و دیدگان حقیقت‌بین کور است» (همان، خطبه‌ی ۲).

۴-۴- لغزش دل‌ها و گمراهی و هلاکت مؤمنان: حضرت از فتنه‌هایی خبر می‌دهند که در پی آن، دل‌های با استقامتی دچار لغزش می‌شوند و انسان‌هایی پس از سلامت در دین، دچار گمراهی

می‌گردند (همان، خطبه‌ی ۱۵۱) و از اسلام دست برمی‌دارند (همان).

۵-۴- از هم‌پاشیده شدن خانواده‌ها: اثر نفاق و در پی آن، فتنه‌ها گاه چنان است که سبب ایجاد اختلاف میان خویشاوندان و تفرقه در آنان می‌گردد. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «تُقَطَّعُ فِيهَا الْأَرْحَامُ وَ يُفَارِقُ عَلَيْهَا الْإِسْلَامُ» (همان، خطبه‌ی ۱۵۱)؛ «خویشان در آن فتنه از هم جدا شوند و مردم در فضای آن فتنه از اسلام دل بردارند.»

۶-۴- شکسته شدن کمر مخالفان فتنه: فتنه‌گران به‌رغم اختلافی که با یکدیگر دارند، کمر هر کس را با آنان مخالفت کند، می‌شکنند و آنکه را در دفع آن بکوشد، درهم می‌کوبند (همان، خطبه‌ی ۱۵۱).

۷-۴- گرفتار شدن مردم به شبهات و نفاق: حضرت در نامه‌ای به معاویه چنین می‌فرماید: «بسیاری از مردم را به گمراهی خویش فریب دادی... و به امواج نفاق خود سپردی. ظلمت گمراهی آنان را فراگرفت و در تلاطم شبهات گرفتار شدند» (همان، نامه‌ی ۳۲).

۸-۴- بازگشت به جاهلیت: خداوند در پی شایعات و اظهارات دروغین منافقان در جنگ احد درباره‌ی شهادت پیامبر (ص)، آنان را سرزنش می‌کند که آیا شما به روش گذشته و نیاکان خود بازخواهید گشت (آل‌عمران: ۱۴۴) و این از واقعیتی که منافقان در پی بازگرداندن جامعه به جاهلیت هستند، حکایت می‌کند. امیرالمؤمنین (ع) بازگشت به جاهلیت را از جمله آثار شوم فتنه‌گری منافقان می‌داند و به معاویه می‌فرماید: «... مردم از راه راست خود دور شدند و همچون کسی که بر روی پاشنه‌های خود بچرخد، به عقب بازگردیدند و بار دیگر به نیاکان خود تکیه کردند و به آنان بالیدند» (همان).

۹-۴- پاره شدن رشته‌ها و خراب شدن نشانه‌های دین: حضرت در توصیف حال مردم به هنگام بعثت پیامبر (ص)، مردم را مبتلا به فتنه‌هایی می‌داند که سبب قطع شدن رشته‌ی دین و ناستواری پایه‌های یقین شده بود (همان، خطبه‌ی ۲) و از فتنه‌هایی خبر می‌دهند که در نشانه‌های دین رخنه می‌کند و پیمان یقین را می‌شکند (همان، خطبه‌ی ۱۵۱).

۱۰-۴- رسوایی زشت و ماندگار: امام علی (ع) پس از آنکه مردم را از فتنه‌ها بر حذر می‌دارد، از آنان می‌خواهد تا آن را در نطفه و دوران جنینی از میان ببرند؛ می‌فرماید: «فتنه‌ها از مراحل پنهان شروع می‌شوند و به زشتی آشکاری می‌رسند که همچون جوانان، رشدی سریع و همچون سنگ، آثاری محکم دارند» (همان، خطبه‌ی ۱۵۱).

۱۱-۴- توالی فتنه‌ها و توارث آن میان فتنه‌گران: فتنه‌ها پیوستگی دارند، به‌گونه‌ای که یکی پس از دیگری پدید می‌آیند. صاحبانشان به سبب پیمان‌های میان خویش، فتنه‌ها را از یکدیگر به ارث می‌برند و اولین آنان پیشوای آخرین و آخرینشان پیرو اولینشان است (نک: همان).

۱۲-۴- گرفتار شدن به عذاب و هلاکت: حضرت در ادامه‌ی توصیف فتنه‌هایی که در زمان جاهلیت مردم بدان دچار بودند، درباره‌ی منافقان می‌فرماید: «آنان تخم گناه کاشتند و با غرور و فریب آن را آبیاری کردند و به‌عنوان محصول آن، هلاکت و عذاب درو نمودند» (همان، خطبه‌ی ۲).

۱۳-۴- برجای گذاشتن کشتگانی که خونشان هدررفته است: در فضای کور فتنه، افرادی کشته

می‌شوند که خونشان هدر رفته است؛ زیرا حق و باطل به هم درآمیخته و در فضای مه‌آلود، تشخیص کشته‌شدگان در راه دفاع از حق و یا باطل از یکدیگر دشوار است؛ بنابراین، حضرت می‌فرماید: «بَيْنَ قَتِيلٍ مَطْلُولٍ...» (همان، خطبه‌ی ۱۵۱).

۵- نتیجه‌گیری

از دیدگاه آموزه‌های دینی به‌ویژه نهج‌البلاغه، فتنه‌گران کسانی هستند که در پی دنیا و جلوه‌های دنیاپرستی و فساد مانند قدرت‌طلبی، مقام و ریاست، شهوت، مال و ثروت هستند و با هر چه و هر کس که مخالف منافع و سد راه دستیابی به اهدافشان باشد، به مبارزه برمی‌خیزند. هواهای نفسانی آنان را به فتنه‌گری و فساد کشانده است و برای رسیدن به هدفشان از فریب، دروغ، قتل، غارت و شکنجه‌آبایی ندارند. بدیهی است که در هر فتنه، افرادی به‌عنوان عاملان فتنه و گروهی به نام قاعدین و دسته‌ای نیز به‌عنوان مروجان آن وجود دارند؛ و آنان کسانی هستند که ممکن است در هر لباسی ظاهر شوند و تشخیص و تمیز آنان از نیروهای خودی دشوار خواهد بود و بدین گونه است که فتنه‌گران با منافقان، یعنی افراد چندچهره پیوند می‌خورند؛ زیرا برای رسیدن به اهداف خود ناگزیرند چهره‌ی واقعی خویش را نشان ندهند تا از این راه، مردم را بفریبند. متقابلاً منافقان نیز برای رسیدن به مقاصد خود، پیوسته از ابزار فتنه بهره می‌برند. ویژگی‌های آنان همچون دنیاطلبی، مقام‌طلبی، ولایت‌پذیری نداشتن، سد راه خدا شدن، تهمت زدن به مسلمانان راستین، بهانه‌جویی و غیره، آثار شومی همچون مبتلا شدن انسان‌های نیکوکار، لغزش و گمراهی مؤمنان، برجای ماندن کشتگانی با خون هدر رفته، ایجاد تفرقه میان افراد خانواده، بازگشت به جاهلیت، گرفتار شدن مردم به شبهات و توالی و توارث فتنه‌گری و نفاق را به‌دنبال داشته است؛ اما ویژگی‌ها و آثار آن دو چنان به هم پیوند خورده است که بازشناسی آنان از یکدیگر دشوار است؛ بنابراین، بهره‌گیری از منابع دینی به‌ویژه فرمایش‌های امام علی (ع)^۴ برای کسب بصیرت برای همگان ضرورت دارد تا بتوانند در مقابل منافقان و فتنه‌گران بایستند و نگذارند موقعیت‌های حساس جامعه‌ی اسلامی در دست آنان قرار گیرد که در این پژوهش، نگارنده سعی کرد با بهره‌گیری از نهج‌البلاغه و در مواردی مستند ساختن آن با آیات قرآن کریم، به بررسی ویژگی‌های هر کدام و آثار آن‌ها بر افراد و جامعه بپردازد.

منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه‌ی محمد مهدی فولادوند.
- نهج البلاغه؛ شرح علی دشتی؛ قم؛ مشهور، ۱۳۸۵ ش.
- آخوندی، مصطفی؛ فتنه از منظر قرآن کریم؛ قم؛ زمزم هدایت، ۱۳۹۰ ش.
- آمدی، بن محمد؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ ترجمه‌ی جمال‌الدین محمد خوانساری؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ ش.
- ابن‌ابی‌الحدید، عزالدین ابوحامد؛ شرح نهج البلاغه؛ بیروت: دار مکتبه الحیاه، ۱۳۳۷ ق.
- ابن‌اثیر، عزالدین ابوالحسن؛ الکامل فی التاریخ؛ بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ۱۹۹۴ م.
- ابن‌الحجاج، مسلم؛ صحیح مسلم؛ بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، بی‌تا.
- ابن‌جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن؛ منتخب قره‌العیون النواظر فی الوجوه والنظایر؛ اسکندریه: منشاه المعارف، بی‌تا.
- ابن‌حجر العسقلانی، احمد بن‌علی؛ فتح الباری بشرح صحیح الامام بخاری؛ قاهره: المطبعة السلفية، ۱۳۸۰ ق.
- ابن‌درید، ابی‌بکر محمد بن‌الحسن؛ جمهرة اللغة؛ بیروت: دارالعلم، ۱۹۸۸ م.
- ابن‌طاووس، علی بن‌موسی؛ الملاحم والفتن؛ تهران: اسلامی، بی‌تا.
- ابن‌فارس، ابوالحسن احمد؛ معجم مقاییس اللغة؛ قم: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۴ ق.
- ابن‌قطب، سید؛ فی ظلال القرآن؛ بیروت: دار الشروق، ۱۴۱۲ ق.
- ابن‌محمد، جعفر؛ مصباح الشریعه؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۰ ق.
- ابن‌منظور، محمد بن‌مکرم؛ لسان العرب؛ بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۴ ق.
- بحرانی، سیده‌اشم؛ البرهان فی تفسیر القرآن؛ تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
- البخاری، محمد بن‌اسماعیل؛ صحیح بخاری؛ بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۲ ق.
- بهشتی، احمد؛ آغاز فتنه‌ها؛ مکتب اسلام، سال ۴۴، شماره ۱۱، ۱۳۸۳ ش.
- پاینده، ابوالقاسم؛ نهج الفصاحه؛ تهران: دنیای دانش، ۱۳۶۳ ش.
- ترمذی، حافظ ابوعیسی؛ سنن الترمذی؛ بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۰۳ ق.
- جعفریان، رسول؛ تاریخ تحول دولت و خلافت؛ قم: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
- جعفریان، رسول؛ تاریخ سیاسی اسلام؛ قم: دلیل ما، ۱۳۸۲ ش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد؛ الصحاح؛ بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ ق.
- حاکم نیشابوری، محمد بن‌عبدالله؛ المستدرک علی الصحیحین؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، بی‌تا.
- حبیب‌بن‌ابراهیم، ابوالفضل؛ وجوه قرآن؛ تهران: بنیاد قرآن، ۱۳۶۰ ش.
- الحر العاملی، محمد بن‌الحسن؛ وسائل الشیعه؛ نجف: المرکزیه، ۱۳۵۶ ش.
- حرانی، ابن‌شعبه؛ تحف العقول؛ ترجمه‌ی پرویز اتابکی؛ تهران: فرزانه، ۱۳۷۶ ش.
- حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن‌احمد؛ تفسیر اثنا عشری؛ تهران: میقات، ۱۳۶۳ ش.
- حسینی، سید محمد؛ دو چهرگان؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶ ش.

- الحمیدی، عبدالعزیز؛ المنافقون فی القرآن الکریم؛ جده: دار المجتمع للنشر والتوزیع، بی‌تا.
- خاتمی، سید احمد؛ سیمای نفاق در قرآن؛ قم: شفق، ۱۳۷۹ ش.
- دامغانی، ابو عبدالله؛ الوجوه و النظائر لالفاظ کتاب الله العزیز؛ قاهره: وزارت اوقاف، ۱۴۱۲ ق.
- دستغیب، سید عبدالحسین؛ گناهان کبیره؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱ ش.
- دینوری، ابن قتیبہ؛ تاریخ خلفا؛ مصر: دار الاحیاء الکتب العربیة، بی‌تا.
- الراغب اصفهانی، حسین بن احمد؛ مفردات الفاظ القرآن؛ دمشق: دارالقلم، ۱۴۱۲ ق.
- رشید رضا، محمد؛ تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار؛ بیروت: دارالمعرفه، بی‌تا.
- الزبیدی، محمد بن مرتضی؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ مصر: چاپخانه خیریه منشاه بجالیه مصر، ۱۳۰۶ ق.
- زحیلی، وهبة؛ التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج؛ بیروت: دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۱ ق.
- سبحانی، جعفر؛ فروغ ابدیت؛ قم: بوستان کتب، ۱۳۸۵ ش.
- _____؛ فروغ ولایت؛ قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۸۴ ش.
- _____؛ منشور جاوید؛ قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۸۳ ش.
- سید علوی، سید ابراهیم؛ نفاق و منافقان در قرآن کریم؛ مشکوة، شماره ۳۵، ۱۳۷۱ ش.
- شامحمدی، مریم؛ کریمی‌نیا، محمدمهدی؛ انصاری‌مقدم، مجتبی؛ «بررسی بینامتنی رابطه نفاق و ریا در قرآن و نهج البلاغه»؛ پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، سال ۳، شماره ۲۶، ۱۴۰۰ ق.
- شیخ طوسی، محمد بن الحسن؛ تهذیب الاحکام؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا.
- صراف، حمیدرضا؛ فتنه در قرآن و نهج البلاغه؛ تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۴۰۷ ق.
- شمس‌الدین، محمدمهدی؛ «رویاریوی با فتنه‌های سیاسی و اجتماعی»؛ کیهان فرهنگی، شماره ۱۸۲، ۱۳۸۰ ش.
- الشهابی، اویس؛ موضع علی (ع) در برابر فتنه‌ها؛ ترجمه‌ی حمیدرضا شیخی؛ بصائر، شماره ۲۷، ۱۳۶۹ ش.
- صبحی صالح؛ شرح نهج البلاغه؛ قم: موسسه دار الهجره، ۱۴۱۲ ق.
- صدوق، محمد بن علی؛ من لایحضره الفقیه؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
- طالقانی، سید محمود؛ پرتوی از قرآن؛ تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین؛ تفسیر المیزان؛ ترجمه‌ی سید محمدباقر موسوی همدانی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
- عبدالغنی، حسن؛ المنافقون و شعب النفاق؛ کویت: دارالبحوث العلمیه، ۱۴۰۱ ق.
- عظیمه، صالح؛ معنا شناسی واژگان قرآن؛ ترجمه‌ی سید حسین سیدی؛ مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷ ش.
- علی سالم مصری، ابراهیم؛ النفاق و المنافقون فی عهد رسول الله و دور اليهود؛ قاهره: دار الشعب، ۱۳۹۰ ش.
- عیسی‌زاده آملی، ولی‌الله؛ «فتنه خوارج در شهادت حضرت علی (ع)»؛ رواق اندیشه، شماره ۴۷، ۱۳۸۴ ش.
- غروی الخوانساری، شهرزاد؛ نفاق در احادیث؛ تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸ ش.
- غروی نائینی، نهل و غروی الخوانساری؛ «نفاق از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع)»؛ سفینه، شماره ۴، ۱۳۸۳ ش.

- فارسی، جلال‌الدین؛ انقلاب تکاملی اسلام؛ تهران: علمی و فرهنگی، بی‌تا.
- فخر رازی، محمدبن عمر الخطیب؛ التفسیر الکبیر؛ بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۷ ق.
- فرازند، ج؛ چهره منافقان در قرآن؛ قم: نسل جوان، ۱۳۸۷ ش.
- الفراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین؛ قم: هجرت، ۱۴۰۹ ق.
- فضل‌الله، سید محمدحسین؛ تفسیر من وحی القرآن؛ بیروت: دارالملاک للطباعة والنشر، ۱۴۱۹ ق.
- فؤاد عبدالباقی، محمد؛ المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم؛ تهران: اسلام، ۱۳۷۸ ش.
- فلاح‌زاده، طیبه؛ «فتنه در صفین»؛ ندای صادق، شماره ۱۰، ۱۳۷۷ ش.
- فیروزآبادی، محمدبن یعقوب؛ القاموس المحيط؛ بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق.
- فیض کاشانی، ملأ محسن؛ المحجّه البیضاء؛ بی‌جا: بی‌تا.
- قرائتی، محسن؛ تفسیر نور؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
- قرشی، سید علی‌اکبر؛ قاموس قرآن؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
- قمی، عباس؛ سفینه البحار و مدینه الحکم والاثار؛ مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۱۶ ق.
- کلینی، محمدبن یعقوب؛ اصول کافی؛ بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۵ ق.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الابرار؛ بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- محقق، محمدباقر؛ نمونه بیانات در شان نزول آیات؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
- مدرسی، محمدتقی؛ لکی نواجه النفاق؛ طهران: دار محبی الحسین^(ع)، ۱۴۲۰ ق.
- المدنی، ضامن بن شدقم بن علی؛ وقعه الجمل؛ قم: محمد، ۱۴۲۰ ق.
- مرتضی، سید جعفر؛ الصحیح من السیره النبوی الاعظم^(ص)؛ بیروت: دار الهادی للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۵ ق.
- مصباح یزدی، محمدتقی؛ طوفان فتنه و کشتی بصیرت؛ قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(ره)، ۱۳۹۰ ش.
- مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
- مطهری، مرتضی؛ مسئله نفاق؛ تهران: حزب جمهوری اسلامی، ۱۳۹۵ ش.
- _____؛ آشنایی با قرآن؛ قم، صدرا، بی‌تا.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- _____؛ پیام امام امیرالمؤمنین^(ع)؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴ ش.
- المنقری، نصر بن مزاحم؛ وقعه صفین؛ قاهره: الموسسه العربیة الحدیثه، ۱۴۰۴ ق.
- موسوی سبزواری، سید عبدالعلی؛ مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن؛ بیروت: موسسه اهلبیت^(ع)، ۱۴۰۹ ق.
- میرزایی، محمد؛ «پدیده‌ی شوم نفاق»؛ الهیات و حقوق، شماره ۵۰، ۱۳۸۳ ش.
- ناظم‌زاده قمی، سید اصغر؛ اصحاب امام علی^(ع)؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ش.
- نجفی خمینی، محمدجواد؛ تفسیر آسان؛ تهران: اسلامیه، ۱۳۹۸ ق.

- نراقی، احمد؛ معراج السعاده؛ تهران: دهقان، ۱۳۸۵ ش.
- نوری، محمد موسی؛ «جریان نفاق در عصر نبوی (ص)»؛ معرفت، شماره‌ی ۱۰۸، ۱۳۸۵ ش.
- الواحدی النیسابوری، ابی الحسن علی بن احمد؛ اسباب النزول؛ قاهره: موسسه حلبی و شرکاء للنشر والتوزیع، ۱۳۸۸ ق.
- واقدی، محمد بن عمر؛ المغازی؛ بیروت: موسسه الاعلمی، ۱۴۰۹ ق.
- هارون بن موسی؛ الوجوه والنظائر فی القرآن الکریم؛ بغداد: دائره الآثار والتراث، ۱۴۰۹ ق.
- هاشمیان، مریم؛ جریان شناسی نفاق در قرآن کریم؛ تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹ ش.
- الهندی، المتقی؛ کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال؛ بیروت: بیت الافکار الدولیه، ۲۰۰۵ م.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابی جعفر بن وهب بن واضح؛ تاریخ یعقوبی؛ بیروت: نشر دار صادر، بی تا.
- یساقی، علی اصغر؛ فتنه از نگاه قرآن و حدیث؛ تهران: نشر تاریخ و فرهنگ، ۱۳۸۰ ش.

